

حیدر اختر

لطیفه کبیرسراج به جاودانگی پیوست

در فصل خزان ، زمانی که برگ های سبز درختان روی به زردی می آورند ومانند آخرین نشانه سرسبزی و طراوت از شاخه ها به زمین می ریزند، به همان قسم زمانی هم شمع زندگی شخصیت های فرهنگی ، هنری و ادبی ما نیز به خاموشی می گرایند.



امسال در فصل خزان با تغییر رنگ برگ ها، شمع یکی از نخستین گوینده گان رادیو کابل وقت و رادیو افغانستان دیروز و رادیو تلویزیون ملی امروزی به خاموشی گرایید . از گوینده بزرگ سخن می گوئیم که همه شنوندگان رادیو افغانستان به خصوص آنانی که به سمع اخبار علاقمند بودند به آواز گیرایش آشنایی کامل داشتند . این گوینده اخبار محترمه لطیفه کبیر سراج بود که از جمله نخستین زنانی بود که همکاری اش را با رادیو آغاز نمود . در آن زمانی که با چادری برای قرائت اخبار به درادیو آمده و عقب مکروفون قرار می گرفت و اخبار روز را با متانت برای شنونده گان ارائه می کرد .

لطیفه کبیر سراج نود سال قبل از امروز در خانواده شناخته شده سراج به دنیا آمد ، نسبت شرایط نا به سامان آن زمان با خانواده اش ترک دیار کرده به ایران مسکن گزین شدند در آنجا تحصیلات خویش را به پایان رسانید زمانی که دوباره به وطن عودت نمود منحصیث آموزگار زبان فارسی دری درلیسه ملالی آغاز به کار کرد . در اثر تشویق مرحوم عبدالغفور برشنا پایش به رادیو رسید و تا سال 1358 همکاری فعال رادیو بود. با حاکمیت خونبار و شرایط خفقانزای بگیر و ببند و بکش، راه هجرت را درپیش گرفت و راهی امریکا شد . در امریکا مدت ها در برنامه رادیویی که برای افغانستان نشرات داشت فعالیت می کرد .

لطیفه کبیر سراج خانم مهربان ، دلسوز ، وظیفه شناس و با پرنسیب بود. با همکاران رادیو به خصوص با گوینده گان جوان مانند مادر مهربان پیش آمد داشت . سخن از وظیفه شناسی ایشان به میان آمد بهتر است برای اثبات این ادعا، یکی از خاطره خوب که از خانم لطیفه کبیر سراج دارم دراین جا بیاورم :

دریکی از شب ها که نوکریوال اداره پرورگرامهای رادیو بودم ، نطقه اخبار نسبت مشکلاتی که داشت آمده نتوانست . به هر جا که تماس گرفتم ، گوینده دیگری را برای اخبار شب نیافتم ، به خانه لطیفه کبیرسراج تلفونی تماس گرفتم برایم گفته شد که در یک محفل عروسی در هتل کابل می باشند من هم با کوهی دریور رادیو به هتل کابل رفتم به نفر موظف هتل خود را معرفی کرده

خواهش ملاقات فوری را با خانم لطیفه جان کبیر سراج در میان گذاشتم . لطیفه جان مرا به سالون خواست داخل سالون هتل کابل شدم که لطیفه جان با خانواده خود دوریک میز مجلل قرار داشت . بعد از عرض ادب و با معذرت جهت مزاحمت موضوع نبود گوینده را برای اخبار شب در میان گذاشتم . با تبسم روی خود را جانب محترم کبیر سراج نموده گفت برای یک ساعت می خواهم رادیوبروم ونمی خواهم در رادیو مشکلاتی ایجاد گردد . با همان لباس شب رادیو آمد و اخبار شب و تبصره جراید را خواند و دوباره به هتل کابل رفت .

زمانی که خبر فوت شانرا از طریق فیسبوک فرید شایان مطلع شدم خیلی ها متاثر شدم وموضوع را با همکاران رادیو در میان گذاشتم

محترم سید یعقوب وثیق سابق رئیس عمومی نشرات رادیو تلویزیون افغانستان نیز خیلی ها متاثر شده فوت وی را یک ضایع فرهنگی خوانده برای لطیفه جان کبیرسراج اجر آخرت و برای بازمانده گانش صبر جمیل را از بارگاه ایزدمتعال خواستار شد.



محترم محمد حسن نیر سابق مدیر عمومی اطلاعات رادیو افغانستان نیز وفات ایشانرا یک ضایعه خوانده و اظهار داشت که لطیفه جان کبیر سراج بر علاوه که خانم مهربان بود توجه جدی در قسمت ارائه اخبار به خرج می داد .

محترم کریم روہینا ، سابق مدیر عمومی پرورگرمهای رادیو افغانستان و یکی از سابقه دارترین گوینده رادیو تلویزیون افغانستان که همکاری نزدیک با محترمه لطیفه جان کبیر سراج داشت با تائر فراوان این یادداشت را ارسال کرد :

روهینا

در افق تاریخ معاصر کشور مخصوصا در ساحه معارف وفرهنگ شخصیت های بهره مند وممتاز در خدمات معنوی در ادوار مختلف در جامعه سر برآورده اند که در زمان معاصرمانیز در ردیف



زنان نامور شخصیت های برازنده خردمند ومعروف به سجایای عالی اندک نبوده اند، ولی مرحوم لطیفه کبیر سراج را که سال های زیادی به حیث نطق دری رادیو افغانستان و رادیو کابل وقت باهم همکار وهم آواز بودیم از نزدیک معرفی بودم خانمی بود صاحب مطالعات علمی وادبی موفق در بیان وفصاحت نیز مهربان ونهایت مودب در برخورد با کهتران ومهتران .

لطیفه جان کبیر سراج از نخستین ردیف زنانیست که در طریق رواج آزاده گی خانم ها با افکار زن ستیزانه وارد عمل شد و از زیر بار حجاب منصورانه پابیرون نهاد. به هر حال اکنون که ضایعه این شخصیت عزیز و متعالی از آقای حیدر اختر دریافتم با کمال تائر قطره اشکی را بدرقه راه آن جهان فرخنده ترش ساختم روانش را شاد و ماوای ابدی اش بهشت برین باد امید وارم خانواده سرفراز و عزیزان سوگوارش در هر جایی که هستند دعای خالصانه مرا در حق آن عزیز از دست رفته آمین گفته عرض تسلیت صمیمانه و دردمندانه مرا قبول فرمایند.

کریم روهینا

محترم فرید شایان که یکی از گوینده گان سابقه دار رادیو افغانستان بودند چنین نوشته اند :

اواخر سالهای چهل خورشیدی که هنوز شاگرد مکتب بودم بعد از دو سال تجربه در خواندن اعلانات تازه مرا بکار گوینده گی اخبار گماشته بودند انهم خبر های که بعد از هر یکساعت نشر میشدو چندان مهم و جالب نبود . انوقت رادیو ی ما بنام رادیو کابل یاد میشد و هنوز القاب بلند بالای ملی و اسلامی و سراسری نداشت. رادیو کابل در محوطه کو چکی در پل باغ عمومی موقعیت داشت که صرف دو استدیو داشت یکی برای اخبار و اعلانات و یکی هم برای موسیقی . از ثبت خبری نبود و همه بر نامه ها مستقیم نشر میشد... در جشن سال 1343 من انانسر هنرمندان خارجی بودم در کابل ننداری که دیدم مرحوم دین محمد خان مدیر خبر ها با وار خطایی بمن گفت کسی دیگر انانس میدهد بیا که برای خبر ها نطق



پیدا نشد و نفر موظف امشب هم خانه نبود(از گرفتن نام نطق غیر حاضر خودداری میکنم)...من میدانستم که گوینده گی اخبار هشت شب یعنی اوج یک گوینده و سخت ترسیده بودم با جبار در نور کمرنگ موتر جیپ روسی تا رادیو خبر ها را مرور کردم. با تعجب دیدم که من باید خبر ها را با لطیفه جان بخوانم گوینده بی بدیلی که بر همه ما جوانها حق استادی داشت. راستش هم از هیبت خبر های هشت شب و هم از فکر خبر خواندن با لطیفه جان ترسی مرا فرا گرفت که بسرعت این مادر بزرگوار سایه انرا در سیمایم خواند .با مهر مرا در کنارش نشاند و بمن روحیه داد. حتی و قتی در حین خواندن خبر ها با مهر مادرانه آرام به پشتم دست میکشیدند و بمن جرأت میبخشید . لطیفه جان کبیر سراج که دانش اموخته ایران بود برای ما گوینده ها یک کتابخانه و قاموس سیار بود که با حوصله فراغ در باره تلفظ وچگونه گی ادای واژه ها و اصطلاحات ما را یاری میرسانید همین لحظه که این یاد واره را در رثای ان مادر رسالتمند و مهربان مینویسیم سیمای تابناکشان با ان تبسم پر مهر مرا بیاد روز های میاندازد که با درد و غفلت قدرش را نفهمیدیم روان شان شاد و یادشان گرامی باد ...فرید» شایان»

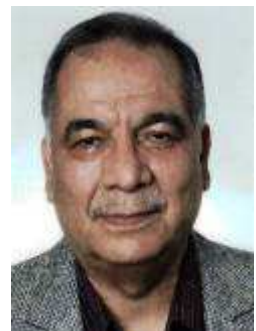
محترم عنایت شریف سابق مدیر عمومی اطلاعات تلویزیون و یکی از گوینده گان رادیو افغانستان می نویسد :



در سالها ایکه خانم لطیفه کبیر سراج با رادیو افغانستان وقت همکاری داشتند ، میان گویندگی اخبار ساعت هشت و هشت ونیم شب با نطقی سایر مطالب و سرویس های خبری روز ، خط فاصل بسیار واضحی وجود داشت . نطاقانی که روزانه در رادیو افغانستان حاضر میشدند ، به نطقی در برنامه های گونه گون و گویندگی مطالب مختلفی می پر داختند که به آنها ارائه میشد . اما وظیفه گویندگان اخبار شب ، بیشتر تنها به همان سرویس خبری شب که از اهمیت زیادی برخوردار بود خلاصه میشد و آنان معمولا با نطقی سایر مطالب روز ، سروکاری نداشتند همین خط فاصل ، نطاقان روز و شب را از دیدگاه های دیگر

هم جدا میساخت و آنان با یکدیگر شناخت کمتری داشتند . من در یکی دو سال نخست همکاری با رادیو افغانستان ، خانم شفیقه حبیبی و زنده یاد مهدی ظفر را بخاطر آنکه استادان کورس نطایقی ، و من از جمله شاگردان این دو نطق ورزیده بودم می شناختم و بسیاری از گویندگان دیگر اخبار شب را از نزدیک ندیده بودم . خانم لطیفه کبیر سراج از همین جمله بودند . شنیده بودم که وقتی ایشان شبانه به رادیو می آیند ، به دفتر اخبار که در منزل دوم عمارت رادیو و در محلی نسبتاً دور از مدخل عمارت قرار داشت ، نمی روند ، نزدیک سندئو در اداره نطقان می باشند و مستخدمین اداره اخبار ، دقایقی پیش از آغاز اخبار ، خبر های ترتیب شده را به ایشان در همانجا می آورند . راستش ، این موضوع برای من تا حدی سوال برانگیز بود . با خود می گفتم ، اگر مسوولیت ترتیب اخبار بعهد من می بود ، چنین فرقی قابل نمی شدم و اخبار از قبل تهیه شده را به ایشان بدست کارمندان (ملازمین دفتر) نمی فرستم . از قضا ، مدتی بعد خودم به حیث مدیر اخبار رادیو افغانستان موظف شدم . با آنکه تصمیم درین باره را از محدوده صلاحیت خویش بالا تر یافتم ، اما اگر چنین صلاحیتی میسر هم می بود ، اصلاً فکری هم برای آوردن تغییر درین روند نمی کردم . لطیفه جان کبیر سراج از چنان منانت و وقار و کرکتر عالی برخوردار بودند که تقاضا از ایشان برای اینکه شخصا به دفتر اخبار حاضر شوند ، کار خیلی گستاخانه بی به نظر میرسید . لطیفه جان در عین زمان شخصیتی بسیار شکسته نفس و متواضع بودند و وقتی صحبت میکردند ، چنان احساس میشد که گویی عضوی از خانواده در محیط سرشار از صمیمیت خانوادگی با محبت فراوان حرف میزند . از سوی دیگر ، رفتن نطقان به اداره اخبار بیشتر برای آن بود تا به سوال های احتمالی نطقان پاسخ داده شود . لطیفه جان چنان در کار شان مسلط و وارد بودند ، که اصلاً به ندرت سوالی نزد ایشان بوجود می آمد . و اگر اخبار تا دقایق اخیر هم برای شان نمی رسید ، هرگز شکایتی نمی کردند زیرا در گویندگی اخبار نیاز زیادی به امادگی قبلی نداشتند . پس از آن در بعضی موارد راستی هم چنین میشد که مستخدمین دیگر اخبار را به ایشان نمی بردند ، من خودم با دنیایی از اخلاص و صمیمت اخبار را به ایشان تقدیم میکردم!!

محترم شاه محمد سلطانی سابق مدیر نطقان رادیو افغانستان نیز از فوت لطیفه جان کبیر سراج متأثر شده با اندوه فراوان برایش از بارگاه ایزد متعال اجر اخروی و برای بازمانده گانش صبرجمیل استدعا نمود و در عین حال خاطره خود را چنین بیان نمود .



در یکی از شب ها، زمانی که محترمه لطیفه جان کبیر سراج و مرحوم قاسم یوسفزاده اخبار شب را می خواندند دفعتاً زلزله به وقوع پیوست در اثر زلزله برق رادیو افغانستان سقوط کرد سه دقیقه ضرورت بود تا جنریتز رادیو فعال شود لطیفه جان کبیر سراج سراسیمه شده از استدیو بیرون برآمد تا زمانی که برق ها دوباره فعال شد باز هم عقب مکروفون قرار گرفته با عرض معذرت دوباره اخبار قرائت نمودند

در اخیر وفات خانم لطیفه جان کبیر سراج را به خانواده مرحومی و تمام همکاران رادیو تلویزیون افغانستان تسلیت می گویم . ح.اختر

